

آمار تأسیس شرکتها!

حقایق ناگوار در لابه لای ارقام بی جان!

نمونه‌ای، لازم است نگاهی گذرا به بازار سرمایه در یک دهه اخیر بیندازیم. دوران جنگ، قانونمندیهای ویژه‌ای دارد. مثلاً این یک قاعده نظامی است که لازمه حضور هر سرباز در جبهه فعالیت حداقل ۵ نفر در پشت جبهه است. این گروه لجستیک رسمی و غیررسمی جبهه را تشکیل می‌دهند. بنابراین خاتمه هر جنگ مسأله‌ای است با حذف تعداد بسیاری مشاغل و بی‌کار شدن عده‌ای زیاد.

قانونمندی بعدی جنگ این است که دولت برای تأمین هزینه‌های جنگ قواعد عادی اقتصادی را هر جا لازم باشد نادیده می‌گیرد: چاپ اسکناس بی‌پشتوانه، برداشت بی‌ضابطه از منابع عمومی، استقراض از سیستم بانکی و...

قانونمندی دیگر رشد طبقه محکمر- فرصت طلب، بازار سیاهی و... و نهایتاً تولد طبقه‌ای از نو سرمایه‌داران است که از طریق معاملات غیرقانونی به سرمایه‌های نجومی دست می‌یابند.

به دلیل استیلای همین قانونمندیها بود که در پایان جنگ هشت ساله، اقتصاد ایران با ناهنجاریهای فلج‌کننده‌ای مواجه بود: صنایع فرسوده و فاقد پشتوانه- حجم عظیم نقدینگی- بی‌کاری‌های گریزناپذیر ناشی از خاتمه جنگ، ویرانی‌ها و صدمات برجامانده از جنگ و... اتخاذ تدابیری دقیق و ضربتی را غیرقابل اجتناب کرده بود.

این تدابیر اتخاذ شد. اما چگونه و تحت چه ضرایبی؟

قانون برنامه اول آئینهای است که تصمیمات اتخاذ شده برای هنجار کردن ناهنجاری‌های حاکم بر اقتصاد ایران در آن منعکس شده است. آن قانون نقطه عطف‌های بسیار مهمی در اقتصاد ایران را تأیید و تصویب کرد. برای توجیه آن نقطه عطف‌ها دلایل مختلفی از سوی برنامه‌ریزان و مجریان ارائه می‌شد. مثلاً تبلیغات سرسام‌آور بانکها برای جلب سپرده‌های مردم به حساب‌های دراز مدت که گاهی خلاف اصول اخلاقی- اگر نخواهیم اصول شرعی را مطرح کنیم- هم

است:

شرکتهای صرفاً تجاری (با هدف واردات- صادرات) ۲۸۴ شرکت- هدفه درصد

شرکتهای صنعتی- تولیدی ۳۵۵ شرکت- بیست و یک درصد

شرکتهای معدنی ۱۴ شرکت- کمی بیش از نیم درصد

شرکتهای کشاورزی و دامپروری ۲۳۸ شرکت- چهارده درصد

شرکتهای خدماتی ۶۸۷ شرکت- چهل و یک درصد

شرکتهای با اهداف چندگانه ۹۲ شرکت- پنج و نیم درصد (مقصود از شرکتهای مشترک در این آمارگیری شرکتهایی است که علاوه بر تولید یک محصول

صنعتی یا معدنی یا کشاورزی و دامی، اشتغال به صادرات- واردات و یا خدمات را نیز در اساسنامه

خود منظور کرده‌اند. در این میان ۳۵ شرکت از گروه مورد بحث با هدف پرداختن به فعالیتهای مشترک

خدماتی- صادراتی و وارداتی به ثبت رسیده‌اند که به دلیل محدودیت‌های موجود بر سر راه واردات و

صادرات باید این شرکتهای را در ردیف شرکتهای خدماتی جا داد.)

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود از ۱۶۶۱ شرکت تشکیل شده در یک ماه فراتر از ۷۰۰ شرکت برای

فعالیت در زمینه خدمات و ۲۸۴ شرکت برای فعالیتهای صرفاً بازرگانی (داخلی- صادرات و

واردات) تأسیس شده‌اند. (۵۹ درصد از کل شرکتهای نکته قابل ذکر دیگر در این بخش، تعداد

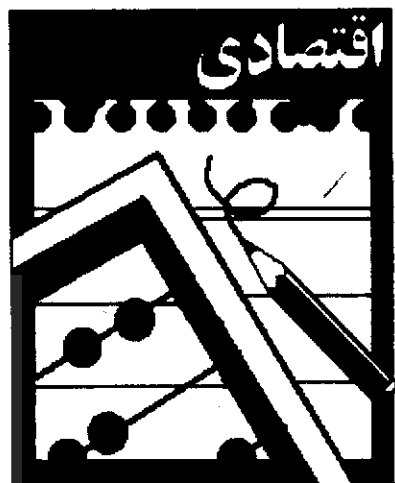
شرکتهای ساختمانی جدیدالتأسیس و اهداف اساسنامه‌ای آنها است؛ ۳۴ درصد از شرکتهای

خدماتی ثبت شده در یک ماهه مورد آمارگیری برای کارهای ساختمانی به ثبت رسیده‌اند که در میان آنها

تعداد قابل توجهی هدف اصلی فعالیت‌هایشان را در اساسنامه خود، برج‌سازی ذکر کرده‌اند!

نگاهی به گذشته

اینک، و قبل از تحلیل داده‌های این آمارگیری



در ایران، اکنون هر ماه ۱۲۰۰ شرکت جدید تأسیس می‌شود و به ثبت می‌رسد. رقم ۱۲۰۰ میانگینی تقریبی است که از جمع و تقسیم اعداد پر رونق‌ترین ماهها از لحاظ تأسیس شرکت‌های جدید با کم رونق‌ترین ماهها از همین حیث، حاصل شده است.

در یک اقتصاد با برنامه و منسجم، و برای کشوری مشابه ایران، تشکیل این تعداد شرکت جدید می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از رونق اقتصادی، شکوفایی سرمایه‌گذاری‌های مولد و رونق رو به رشد تولید و مصرف ارزیابی شود. ولی آیا بواقع در مورد اقتصاد ایران چنین است؟

نگاهی به ترکیب شرکتهای تشکیل شده در یک ماه که از سوی این ماهنامه برای نمونه‌گیری آماری انتخاب شده، می‌تواند پیش‌زمینه نسبتاً مناسبی باشد برای بررسی روند تمایل به سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران.

دلیل این که چرا یک ماهه ۱۵ بهمن تا ۱۵ اسفند ۱۳۷۴ برای آمارگیری و تجزیه و تحلیل انتخاب شده در بخش‌های بعدی این گزارش شرح داده خواهد شد. مقدماً آمار مستخرج مربوط به یک ماهه مورد بحث را مرور می‌کنیم:

جمع شرکتهای به ثبت رسیده ۱۶۶۱ شرکت و ترکیب و درصد نوع فعالیت این شرکتهای از این قرار

بود با شعار جذب نقدینگی های برای «ساختن» «آباد کردن» «ایجاد اشتغال» و... تفسیر و توجیه می شد. خصوصی سازی و آزادسازی اقتصادی، واگذاری صنایع دولتی، بازگذاشتن دروازه ها برای واردات و خلاصه حاکمیت سیاست شعارگونه «بگذار بسازند، بگذار بگذرند» نیز توجهات ویژه خویش را داشتند! اما در عمل آنچه عاید شد افزایش حجم نقدینگی و تشدید ناهنجاریهای اقتصادی بود!

آن میزان از نقدینگی هایی که جذب شبکه بانکی شد، و بعداً قسمت اعظم آنها از نواحی فعالیتهای اقتصادی غیر مولد و بازار سیاهی سر درآورد، نقدینگی مردمی

بود که با بازار سیاه، فعالیت های مخرب اقتصادی- فاجاق کالا، واردات کالاهای لوکس و غیر ضروری آشنائی و سر و کار نداشتند. همین مردم عادی بودند که تحت تأثیر القانات تبلیغاتی، و با این امید که ارزش دارائی آنها حفظ می شود و سود متناسبی هم از بانکها دریافت خواهند کرد، نقدینگی خویش را به حساب سپرده های دراز مدت گذاشتند. اما صاحبان و دارندگان نقدینگی های کلان به بانکها پا نگذاشتند مگر برای دریافت اعتبارات و امتیازاتی از محل سپرده های همان مردم عادی.

همین روند سبب شد طبقه متوسط ایران ضعیف تر و کم توان تر شود، اما در نقطه مقابل گروهی معدود، صاحب نقدینگی های نجومی شوند.

این گروه کاملاً در اقلیت، با سلوه استفاده از فرصت های پیش آمده برای افزودن بر دارائی خویش، هر چه توانستند کردند، و هر فرصت و امکانی را که توانستند به ناحق فراچنگ آورند، به تمام و کمال مورد استفاده قرار دادند.

در این گیر و دار، برنامه های ساختاری دولت هم وسیله ثروت اندوزی ایشان شد.

روزی که فروش نامحدود ارز به عنوان عامل تعدیل اقتصادی، توازن عرضه و تقاضا، شکستن بازار سیاه ارز و جمع آوری نقدینگی در دستور کار قرار گرفت همین اقلیت بودند که بیشترین سود را از فرصت پیش آمده نصیب خود کردند؛ هنگامی که پیش فروش سکه به عنوان ابزار جمع آوری نقدینگی مورد استفاده قرار گرفت همان گروه دارنده بیشترین نقدینگی، بیشترین سود را هم بردند؛

در سیاست پیش فروش اتومبیل، لوازم خانگی و... نیز بالاترین بهره نصیب همین گروه شد. در سایر موارد نیز وضع بر همین روال بود. نهایت این که حجم نقدینگی نه تنها ثابت نماند

برای دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور بسیار جذاب خواهد بود اگر بتوانند در یافتند چرا از آذرماه هر سال اشکال جدیدی از شرکتها قارچ گونه می روید!

بلکه به گفته آقای یوسفی کیا مدیر نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری در پایان آذر سال ۱۳۷۴ حجم نقدینگی کشور به ۶۵ تریلیون و ۹۳۳ میلیارد ریال رسیده که نسبت به آخر اسفند سال ۱۳۷۳، ۱۲ تریلیون و ۴۸۵ میلیارد ریال افزایش نشان می داد. و جالب آن که بدائیم طبق قانون بودجه سال ۱۳۷۴ مقرر بود در طول ۱۲ ماهه این سال رشد نقدینگی فقط ۶۷۰۰ میلیارد ریال باشد!

تمهیدات جدید...

اثرات سیاست های اقتصادی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ شرایطی بوجود آورد که چرخش هائی را در اهداف برنامه های اقتصادی اجتناب ناپذیر می نمود. این چرخش ها انجام شد، فروش ارز محدود، و خارج از سیستم، بانکی ممنوع شد، واردات مجدداً تحت کنترل قرار گرفت. بانک مرکزی پس از چند دور بازی قابل تفسیر بر روی قیمت طلا، قیمت آن را به یک ثبات نسبی کشاند. جاذبه دلالتی رسمی و غیر رسمی در مورد اتومبیل، لوازم خانگی و... کم شد. تعزیرات حکومتی را احیا کردند و...

به موازات چنین اقداماتی، ترفندهای جدیدی برای جذب نقدینگی های کلان زده شد.

- انتشار اوراق مشارکت از سوی دستگاههای مختلف با بهره ۲۵٪

- دادن اجازه تأسیس شرکت های سرمایه گذاری به مؤسسات دولتی و بخش خصوصی و بانکها

- اجازه تأسیس مؤسسات اعتباری غیربانکی. (که این قره هنوز در پیچ و خم تضاد در تصمیم گیری ها است)

- عرضه سهام شرکتها و مؤسسات دولتی در بورس اوراق بهادار

- و... اقدامات فرعی دیگر

هر یک از تمهیدات جدید نیز متأسفانه تالی فاسدهائی دارد که اثرات آن کمابیش نمایان شده است. مثلاً تشکیل شرکتهای سرمایه گذاری و دادن اجازه انتشار اوراق مشارکت سبب رونق فعالیت های ساختمانی ویژه ای شده که «خساک بازی» یا «بورس بازی زمین و ساختمان» را در شکل نوینی احیا و فعال کرده است. (۱) بسیاری از سرمایه های هنگفت اکنون به بخش ساختمان سرازیر شده است. نه آن بخش ساختمان که مولد، و سازگار با نیازهای طبیعی اجتماع است؛ بلکه نوعی خرید و فروش و ساخت و ساز که نهایتاً همان اثرات بازار سیاه طلا، ارز، اتومبیل و... را عاید کرده است و

خواهد کرد. در کمتر از ۶ ماه نرخ مسکن و زمین پنجاه، و در نقاط ویژه ای از شهرها صد در صد و بالاتر - رشد داشته است.

آن نقدینگی های نجومی هرگز به ساخت انبوه مسکن، یا اتمام پروژه های عمرانی مرتبط با راه و ساختمان اختصاص نیافته و نخواهد یافت. خصلت دارندگان این نقدینگی ها، میل فطری ایشان به نقل مکان از یک بازار سایه که خاصیت دسترسی به سودهای کلان را از دست داده، به بازار جدیدی است که تأمین چنین سودهایی را ممکن می سازد.

بدین قرار تمهیدات جدید برای جذب و کنترل نقدینگی واقعی کارساز نخواهد بود. برخی عوارض ناشی از اجرای این تمهیدات آشکار شده و بقیه نیز در آینده آشکار خواهد شد.

شرکتهای موسمی!

در یک اقتصاد متعادل و هدفمند تعداد و ترکیب شرکتهای جدیدالتأسیس می تواند به عنوان یک عامل قابل اتکا برای ارزیابی سمت گیری تمایل عمومی به سوی منابع سرمایه گذاری مورد استناد قرار گیرد. اما در اقتصاد کنونی ایران امکان چنین تجزیه و تحلیلی وجود ندارد.

نخست به همان دلایلی که در مورد ماهیت صاحبان عمده ترین بخش نقدینگی کشور به اجمال شرح دادیم، نقدینگی هنگامت این اقلیت در بدتر شدن اوضاع اقتصادی، رشد تورم، کمبود کالا و دیگر عوارض سوء اقتصادی کاملاً اثرگذار است، اما در روند فعالیتهای طبیعی اقتصاد نقشی ندارد. و سپس به دلیل ماهیت بسیاری از شرکتهای جدیدالتأسیس

گرچه در میان ۱۶۶۱ شرکتی که طی یک ماهه ۱۵ بهمن تا ۱۵ اسفند ۱۳۷۴ به ثبت رسیده، تعدادی شرکت نیز وجود دارد که اهداف اقتصادی کلان را در

اساسنامه خود گنجانده‌اند، اما این شرکتها هم یا وابسته به شرکت‌های وابسته به دولت هستند، یا برای استفاده از موقعیت‌های ویژه‌ای که مثلاً با واگذاری اجازه تأسیس شرکت‌های سرمایه‌گذاری و انتشار اوراق مشارکت بوجود آمده، تشکیل شده‌اند. (شاهد مثال: شرکت توس گستر- شرکت سرمایه‌گذاری بیمه‌های ایران- شرکت عمران و توسعه فارس- شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه خوزستان و...)

نکته شگفت‌انگیز این که در حالی که سیاست

عمومی دولت چنین توصیف می‌شود که با واگذاری واحدهای وابسته به خود، و حتی واگذاری خدمات جنبی مؤسسات و سازمانهای دولتی، سیاست کاستن از حجم دولت تعقیب می‌شود، اما شاهدیم که از بطن همان مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شرکت‌های جدیدی زاینده می‌شود!

از این گروه شرکتها که بگذریم، نوبت به بررسی ماهیت شرکت‌هایی می‌رسد که بوسیله بخش خصوصی تأسیس می‌شوند. در مورد این شرکتها هم نکات قابل تأمل فراوان وجود دارد و اگر ما آمار تشکیل شرکتها در فاصله ۱۵ بهمن تا ۱۵ اسفند ۷۴ را ملاک این بررسی قرار دادیم ناشی از وجود همین نکات تأمل برانگیز است!

از آذرماه هر سال آمار تشکیل شرکتها رو به افزایش می‌گذارد و تا اواسط اسفند به اوج می‌رسد. این افزایش نیز ناشی از وجود تبصره‌هایی ویژه در بودجه سال بعد کشور است.

به نظر می‌رسد که در همان دوره تدوین و بررسی نهائی لایحه بودجه، و قبل از تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی، اشخاص و مؤسسات ویژه‌ای از تبصره‌های نان و آبدار آن آگاه می‌شوند. مثلاً عده‌ای آگاه می‌شوند سال آینده برای پرورش میگو

تسهیلات و اعتبارات ویژه اختصاص یافته است بنابراین هنوز لایحه بودجه تقدیم مجلس نشده، صدها شرکت برای پرورش میگو تشکیل می‌شود و به ثبت می‌رسد!

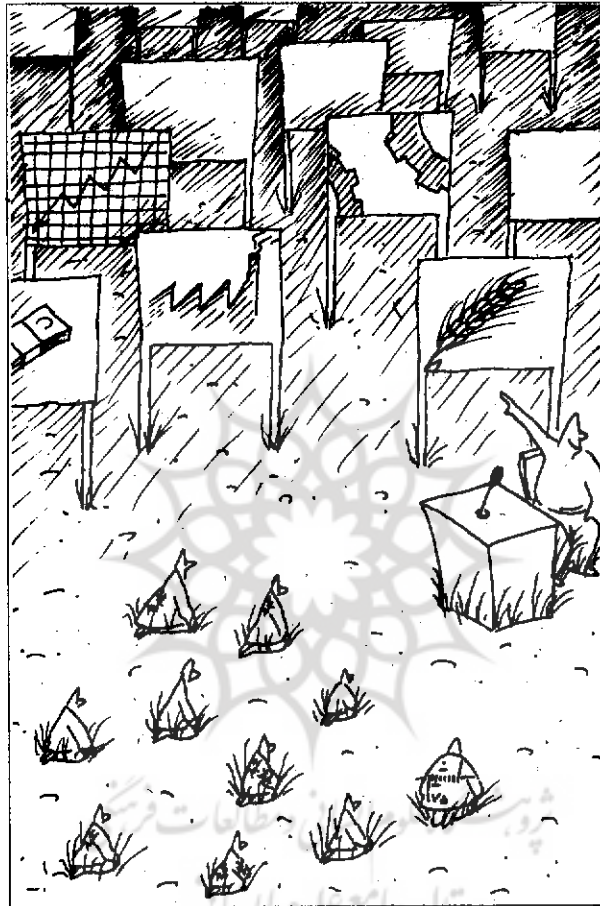
نمونه روشنتر و قابل دسترس‌تری را ذکر می‌کنیم: در لایحه بودجه سال ۱۳۷۵ تسهیلات و اعتبارات ویژه‌ای برای امور مختلفی پیش‌بینی شده بود، از جمله در بند الف تبصره ۲ یکپهزار و دوست میلیارد ریال تسهیلات اعتباری بدون اخذ وثیقه برای توسعه شبکه‌های آبیاری تحت فشار (بارانی و قطره‌ای)

در بند ب همین تبصره ششصد میلیارد ریال

تسهیلات کوتاه و میان مدت بدون اخذ وثیقه برای اجرای طرح ویژه اشتغال

و در بند الف تبصره ۳ یکپهزار و پانصد میلیارد ریال تسهیلات اعتباری برای طرحهای تولیدی و خدماتی بخشهای تعاونی و خصوصی

هنوز رسیدگی به لایحه در کمیسیون‌های مربوطه آغاز نشده بود که تشکیل شرکت‌هایی در ارتباط با موارد همین تبصره‌ها آغاز شد. نخستین شرکتها با حضور و مشارکت افراد برجسته و صاحب تمکن در زمینه



آبیاری تحت فشار به ثبت رسید. سپس ثبت این نوع شرکت، و نیز شرکت‌های مرتبط با طرحهای خوداشتغالی و طرحهای تولیدی و خدماتی در سطح عام‌تری آغاز شد و گسترش یافت.

در ۱۳۷۴/۱۱/۲۹ که متن نهائی قانون بودجه از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی برای دفتر ریاست جمهوری ارسال شد صدها شرکت در زمینه‌های فوق‌الذکر به ثبت رسیده بود و ثبت شرکت‌های جدید هنوز ادامه داشت.

سرمایه اولیه این شرکتها از صدهزار تومان تا یک میلیون تومان (و در موارد معدودی بالاتر از این رقم) بوده است. نیاز به ارانه هیچ مدرک و دلیلی نیست که

ثابت کند مؤسسين اکثر این شرکتها با آگاهی از امتیازات پیش‌بینی شده در تبصره‌های مورد اشاره (که البته در جریان رسیدگی در مجلس ردیف تبصره‌ها و مبالغ آنها تغییراتی کرد) اقدام به تشکیل آنها کرده‌اند. و اگر کسی اصرار به دریافت مدرک دارد می‌تواند آگهی‌های ثبت شرکت‌های جدید را در مطبوعات اواخر آبان سال ۷۴ تا پایان همین سال مطالعه کند!

این موضوع که آیا اعتبارات تخصیص یافته به این شرکتها در محل مصارف واقعی خرج خواهد شد، و یا واگذاری آنها می‌تواند به رفع تنگناهای موجود در تولید و خدمات منجر شود، در حیطه این بررسی قرار ندارند. منتهی می‌تواند یکی از دستور کارهای پرجاذبه سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات باشد. (برای سازمان بازرسی کل این موضوع نیز پرجاذبه است که دریابد چگونه افراد خاصی قبل از بررسی لوایح بوده‌اند از تبصره‌های مهم و حساس آن آگاه می‌شوند!)

ماهیت و انگیزه تعدادی از شرکت‌هایی که همه ساله در ایران تأسیس می‌شوند چنان است که در سطوح فوق آورده شد. تعدادی از این شرکتها موفق و ماندگار می‌شوند و تعدادی دیگر ناموفق و شکست خورده! موفق‌ها آنهایی هستند که به موقع از قضایا اطلاع می‌یابند و قادرند اعتبارات را جذب کنند، و شکست‌خورده‌ها را کسانی تشکیل می‌دهند که به تبعیت و تقلید از گروه اول وارد عرصه فعالیت جدید می‌شوند. آواز دهلی را از دور می‌شنوند، اما نمی‌دانند شور و حال نوازنده از کجا سرچشمه می‌گیرد؟! یک گروه دیگر شرکت‌هایی هستند که به موازات برنامه‌های تازه و تصمیم‌گیری‌های جدید دستگاه‌های دولتی و یا وابسته به دولت، تشکیل می‌شوند. نمونه:

تب و گذاری خدمات جنبی سازمانهای دولتی و وابسته به دولت به بخش خصوصی در دو سال اخیر همه گیر شده است. از آبیاری قضای سبز تا اداره مسجد یک سازمان، از حمل و نقل کارکنان تا نظافت روزانه یک اداره-از راهبری سیستم‌های کامپیوتری تا اداره تلفنخانه یک سازمان، از اداره پارکینگ تا نظافت دستشویی‌های یک سازمان دیگر، و... انگیزه تشکیل صدها شرکت بوده و هست.

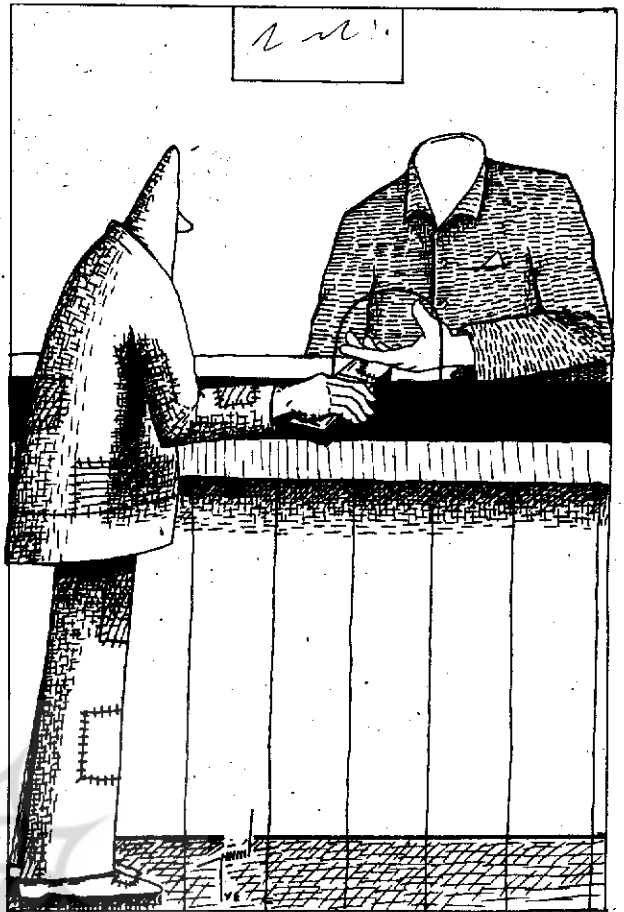
این شرکتها نیاز به سرمایه ندارند. نیاز به حمایت دارند. کافی است در یک مناقصه برنده شوند تا بمانند و گرنه دیر یا زود منحل خواهند شد. (۲)

و سرانجام باید به گروهی از شرکتها اشاره کرد که

دومین برنامه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور، ما هنوز نتوانسته‌ایم بستر مناسبی را برای جمانعت از غول آسایتر شدن صاحبان نقدینگی‌های اصلی، سوق دادن سرمایه‌ها به سوی فعالیتهای مولد و اشتغال‌زا و جلوگیری از ایجاد بورسهای کاذب در زمینه‌هایی چون زمین- ساختمان- طلا- کالاهای مصرفی- سفته‌بازی و این قبیل فعالیت‌های مخرب و عوارض ویرانگر آنها فراهم آوریم.

- ۱- در این زمینه رجوع شود به تحلیل‌های ارائه شده در همین ماهنامه تحت عنوان «اوراق مشارکت یا چراغ جادو یا...؟» شماره ۶۱/۶۰ و سیاست زمین و مسکن به سرانجام کار هم اندیشیده‌ایم؟ شماره ۶۴.
- ۲- آمار انحلال شرکتهای در این زمینه به خودی خود گویاست؛ آمار اعلام انحلال شرکتهای به روایت روزنامه رسمی طی چند روز به این شرح است:
 - ۱۱-۷۵/۳/۱۲ شرکت
 - ۷-۷۵/۳/۱۳ شرکت
 - ۹-۷۵/۳/۱۶ شرکت
 - ۲-۷۵/۳/۱۷ شرکت
 - ۲۹-۷۵/۳/۱۹ شرکت
- ۳- به نمونه‌هایی از این گروه شرکتهای در بخش «اخبار رسمی» از کانال رسمی «همین ماهنامه (شماره‌های ۶۳ و ۶۴) اشاره شده است.

و نیز به دلیل این که بخش عمده‌ای از شرکتهای جدید التاسیس با اهداف و انگیزه‌های ویژه، و به امید برخورداری از تسهیلات مخصوصی تشکیل می‌شود، از بررسی آماری شرکتهای تازه تأسیس نمی‌توان به هیچ اطلاع قابل اتکائی دست یافت؛ همچنانکه مطالعه آمار انحلال شرکتهای نمی‌تواند هیچ شاخص اقتصادی در خور اعتنائی را پیش روی ما بگذارد. در این میان البته شرکتهائی هم هستند که براساس قانومندیهای اقتصادی، با ابتکار و در سایه ریسک‌پذیری سرمایه‌گذارانشان تشکیل می‌شوند. همین شرکتهای را می‌توان بخش سالم اقتصاد ایران دانست و با علاقمندی در مورد نحوه فعالیت، مشکلات و کسب و کسب‌هایشان به تحقیق پرداخت و از اطلاعات بدست



آمده برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی سود جست. اما کسب اطلاع در مورد فعالیت این قبیل شرکتهای هم اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار است. زیرا در سیستمی که صاحبان سرمایه‌های هنگفت و حاصل کنندگان سودهای نجومی در بازار سایه و سیاه مالیات نمی‌پردازند، و بار تأمین درآمدهای مالیاتی دولت بر دوش افرادی است که به یک فعالیت اقتصادی سالم اشتغال دارند، نمی‌توان از مدیران این قبیل واحدها انتظار داشت ارقام واقعی سرمایه اولیه، سرمایه در گردش، خرید، فروش، سود و زیان خود را ارائه دهند. بازار سرمایه در ایران معشوش و به شدت بی‌قانون است. در دومین سال از اجرای

با عنوان غیرانتفاعی یا غیرتجاری تشکیل می‌شوند، اما اهداف صد در صد تجاری دارند. پیش زمینه تشکیل این شرکتهای را نیز امکانات ویژه برخی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که اعتبارات ویژه و خارج از شمول دیوان محاسبات در اختیار دارند، فراهم می‌آورد. (۳)

نتیجه گیری

بازار شرکت و شرکت‌سازی در ایران داغ است. اگر روند اوضاع در اقتصاد ایران بهنجار بود می‌توانستیم از آمار مربوط به تأسیس شرکتهای جدید به بسیاری از داده‌های آماری ویژه دست یابیم. مثلاً بفهمیم هر سال چه مبلغ در صنعت، معدن، کشاورزی، دامداری، خدمات و... سرمایه گذاری می‌شود. در یابیم چه بخش از فعالیتهای اقتصادی رو به رونق است و کدام بخشها راه زوال می‌یابند؟ می‌توانستیم محاسبه کنیم کدام بخشها اشتغال‌زا هستند و کدام بخشها مشاغل کمتری ایجاد می‌کنند، سهم درآمد دولت (مالیات، حقوق گمرکی، عوارض و...) از هر بخش چه مبلغ است. و بسیاری اطلاعات دیگر. اما به دلیل آنکه بخش عظیم و اصلی نقدینگی کشور به فعالیت‌های پنهانی و غیرسالم اختصاص دارد،

شرکت تعاونی تهیه و توزیع ظروف آلومینیوم

سازنده انواع ظروف آلومینیومی

TEHRAN AND SUBURBAN ALUMINIUM VESSELS PROCUREMENT

PRODUCTION AND DISTRIBUTION COOPERATIVE COMPANY
OUR EXPORT PRODUCTS:

- CASSEROLE WITH BAKELITE
- CASSEROLE WITH ALUMINIUM
- STRAINER WITH STANDS
- KETTLE
- COFFEE AND MILK POTS
- NON-CHARRING PAN WITH BAKELITE OR ALUMINIUM HANDLE
- KITCHENWARE

آدرس: تهران، خیابان ری، شماره ۴۷۹
تلفن: ۳۶۱۰۰۰ - ۳۶۳۰۹۰ - ۳۵۱۱۲۴ فاکس: ۳۵۷۶۲۴
CENTRAL OFFICE: NO. 479, RAY AVENUE, TEHRAN - IRAN
TEL: 361000, 363090 - 351124 FAX: 357624

اقتصادی